دولت اخلاقي و دکترين مهدويت

 رحيم کارگر

اشاره:

يکي از مباحث بنيادين در "دکترين مهدويت"، شناخت

خواسته ها، مشکلات و نيازهاي واقعي و اساسي انسان ها و يافتن پاسخ و راهکاري مناسب و فراگير براي حلّ آنها است، يکي از تعاليم و انگاره هاي مهم در اين دکترين، توجّه به دولت مهدوي و محوريت آن در برطرف ساختن دشواري ها و کاستي هاي زندگي بشري است.

در اين راستا روشن شدن ماهيت، هدف و برنامه اصلي و محوري اين دولت ـ و به تبع آن شناخت برنامه ها و عملکردهاي مختلف و فرعي آن ـ از اهميت به سزايي برخوردار است. مقاله پيش رو،

عهده دار تبيين بخشي از دکترين مهدويت ـ با توجه به انگارة دولت اخلاقي امام مهدي عجل الله فرجه الشريف ـ است.

پيشگفتار

از ديدگاه شيعه، آينده جهان، بسيار روشن و خوشبينانه است. تاريخ، براى رسيدن به جامعه مطلوب و آرمانى (تحقق يافتنى و حتمى هر چند با طى فراز و نشيب‏ها و كژتابى‏هاى گوناگون) در حركت است. اين مدينه فاضله در زمين به دست حق پرستان و به رهبرى مصلح موعود و با يارى امدادهاى الهى و او اداره آن را در دست خواهد گرفت. اين جامعه پايان حركت تاريخ و آغاز حياتى متكامل و بدون كاستى و نقص است. سياست در اين جامعه، "فاضله" و "الهى" است و دولت بر اساس نظام امامت شكل مى‏گيرد. مردم - به خصوص مستضعفان و صالحان - نقش اساسى در اداره و كنترل امور دارند و صاحبان زر و زور و تزوير از بين مى‏روند. دور نماى اين "جامعه موعود" را اين چنين مى‏توان تصوير كرد: دولت مهدوى بر سراسر دنيا سيطره و برترى خواهد داشت و شرق و غرب عالم را فرا خواهد گرفت. حكومت او، بر اساس جهان بينى الهى و آموزه هاي اسلام خواهد بود. دين مورد قبول خدا (اسلام) و آيين يكتا پرستى و توحيد، همگانى شده و معنويت و اخلاق، در همه جا گسترش خواهد يافت. "ولايت و امامت" مهدى مورد پذيرش همه بشر قرار گرفته و آنان طعم خوش عدالت، امنيت و سعادت را خواهند چشيد. مردم به كمال نهايى و هدف غايى خود خواهند رسيد و روح عبادت و عبوديت بر جوامع حاكم خواهد شد.

ترس و ناامنى از بين رفته و امنيت و آرامش همه جا را فرا خواهد گرفت. فساد، ستم و تباهى از جهان ريشه كن و از قسط و دادگرى آكنده خواهد شد. بركت‏هاى بى‏شمار آسمان، نازل و نعمت‏هاى بى‏كران زمين، آشكار شده و گنجينه‏ها و معادن آن استخراج خواهد شد. علوم، صنعت و فن آورى پيشرفت خارق العاده‏اى يافته و خرد و عقل مردم كامل خواهد شد.

كشورها و شهرها آباد و زمين خرّم خواهد شد. ديگر ويرانى و عقب ماندگى در آن وجود نخواهد داشت. كشاورزى رونق يافته و دشت‏ها و مزارع سرسبز و پر محصول خواهد شد و كشاورزان و دهقانان، از كشت و زرع خود، چند برابر گذشته، محصول درو خواهند كرد. اقتصاد جوامع پيشرفت كرده و ثروت و درآمدها، عادلانه توزيع خواهد شد. فقيران و تهى دستان، غنى و بى نياز گرديده و بسيارى از امور كشور در دست مستضعفان و صالحان خواهد بود.

علم طب و بهداشت و درمان، رشد يافته و بيمارى‏ها ريشه كن خواهد شد. كارگزاران امور، از افراد با ايمان و كاردان انتخاب شده و آنان خدمت‏گزاران مردم خواهند بود. بشر به آرزوى ديرينه خود مبنى بر حكومتى عادلانه، جامعه‏اى اخلاق‏مدارانه، آيينى خداپرستانه و رفاه و امنيتى جاودانه خواهند رسيد.

اين "انگاره"، ديدگاه روشن قرآن و آرمان و خواسته اصيل و متكامل اسلام است. اين بشارت و وعده حتمى خداوند به يكتاپرستان و حق باوران و هدف و مسير روشن تاريخ در چشم انداز اديان الهى است. توضيح و تبيين نظام مند، جامع، فراگير و واقع گرايانه اين اصل و آموزه؛ مي تواند ذيل "دکترين مهدويت" صورت گيرد.

دکترين مهدويت و انگارة دولت

"دكترين مهدويت" تصوير و طراحي جامع و فراگير جامعه موعود و بيان ويژگي‌ها، برنامه‌ها، اهداف، استراتژي، خط مشي‌ها و تعاليم و آموزه‌هاي گوناگون آن است. گفتني است: ارائه و طرح نقش جامعه آرمانى، نه مضّر است و نه لغو، مشروط به اينكه داراى سه ويژگى باشد:

يك. كاملاً واقع بينانه باشد و حقايق زيست شناختى، روان شناختى و جامعه شناختى را از نظر دور ندارد.

دو. همراه با ارائه طريق باشد؛ يعنى، فقط جامعه آرمانى را تصوير نكند، بلكه راه روشن رسيدن به آن را نيز نشان دهد.

سه. اهدافى را اعّم از هدف اصلى و نهايى و هدف‏هاى واسط و فرعى براى جامعه آرمانى تعيين كند كه داراى مراتب باشد.

اين طرح كاملاً واقع بينانه و همراه با ارائه طريق است و تحقق جامعه آرمانى، در متون مذهبى ما پيش‏گويى شده است. آنچه مهم است اينکه بر اساس دکترين مهدويت، بتوان مجموعة اين نظام فکري را ـ براساس اصول و بنيان هاي خاص آن ـ طرّاحي و ارائه کرد. در اين راستا بايسته است ابتدا هدف و رويکرد اصلي و بنيادين در انديشه مهدويت شناسايي شده و متناسب با آن نظام سياسي، اقتصادي و فرهنگي ترسيم گردد. هدف اصلى و نهايى جامعه آرمانى اسلام، استكمال حقيقى انسان‏ها است كه جز بر اثر خداشناسى، خدا پرستى، اطاعت كامل و دقيق از اوامر و نواهى الهى، كسب رضاى خداوند متعال و تقرب به درگاه او، حاصل شدنى نيست. بر اين اساس دكترين مهدويت، بايد بر پايه اين هدف اصلي ـ و چندين هدف و برنامه فرعي ـ تنظيم و ارائه شود. در واقع در اين دكترين بايد خواست و نياز اصلي انسان‌ها، مشخص گردد؛ آن گاه به تبيين رويكرد و برنامه اصلي براي پاسخگويي به اين مشكل برآمد. از آنجايي كه بيشتر امور سياسي، اجتماعي، فرهنگي و ... و طراحي و اجراي برنامه ها در دست دولت قرار دارد؛ پس بررسي دولت مهدي و شناخت ماهيت و رويكرد آن امري بايسته و ضروري است.

مهم‏ترين و اساسى‏ترين اقدام امام مهدى عجل الله فرجه الشريف پس از پيروزى و سيطره بر سراسر جهان، تشكيل دولت و به دست گرفتن حكومت و فرمانروايى دنيا است. مردم جهان در عين حال كه شاهد نابسامانى، جنگ‏ها، فساد، بى‏عدالتى، ناامنى و الحادگرايى در جهان بوده‏اند؛ دولت‏ها، احزاب و سازمان‏هاى بسيارى را نيز ديده‏اند كه مدعى خدمت به جهانيان و ايجاد آرامش، صلح و امنيت و بهبود وضع اقتصادى و فرهنگى و اجتماعى در دنيا بوده‏اند! اما در عمل چيزى جز تباهى و ستم و جنگ مشاهده نكرده‏اند؛ با اين حال روزگارى فرا مى‏رسد كه معنويت و عدالت، به دست تواناى مرد الهى و در دولت كريمه اهل بيت? برقرار مى‏شود و رفاه، امنيت، عدل و يكتاپرستى در همه جاى عالم گسترش مى‏يابد. روشن است كه اين تنها با تشكيل دولت و انسجام در امور، به دست مى‏آيد. امام باقر در تفسير آيه ( الذين ان مكناهم فى الارض...( مى‏فرمايد:

اين آيه در حق آل محمد صلي الله عليه و آله، حضرت مهدى عجل الله فرجه الشريف و ياران او است كه خداوند آنها را مالك شرق و غرب جهان نموده، آيين اسلام را پيروز مى‏كند و بدعت‏ها و باطل‏ها را به دست او و يارانش نابود مى‏سازد ـ چنان كه [قبلاً] سفيهان حقّ را لگدمال كرده باشند ـ تا اينكه از ستم نشانه‏اى نمى‏ماند.

اين دولت بهترين، كامل‏ترين و مردمى‏ترين دولت‏ها ـ پس از نابودى و پايان فرصت دولت‏هاى ديگر ـ خواهد بود. در اين زمينه روايتى آمده است:

همانا دولت ما آخرين دولت‏ها است و براى هيچ خاندانى دولتى نيست؛ مگر اينكه قبل از ما حكومت كند؛ تا هنگامى كه ما به قدرت رسيديم كسى نگويد ـ وقتى روش حكومتى ما را ديدند ـ اگر ما نيز به قدرت مى‏رسيديم، اين چنين رفتار مى‏كرديم. و اين گفتار خداوند است كه: عاقبت براى تقوا پيشگان است.

از بررسى اهداف، كارويژه‏ها وعملكردها، پيامدها، نتايج مثبت، ويژگى‏ها وشاخص‏ها وبرنامه‏هاى دولت مهدى عجل الله فرجه الشريف، به دست مى‏آيد كه پس از قيام وپيروزى بر گروه باطل ونابودى آنها، ظلم وستم از بين رفته وامنيت برقرار مى‏شود. اما براى تغيير در بينش، روش ومنش ناسالم مردم ـ كه ساليان سال با آن خو گرفته‏اند ـ حضرت مهدى عجل الله فرجه الشريف؛ رشد وكمال‏يابى انسان‏ها را سرلوحه برنامه‏هاى خود قرار داده وبر تزكيه نفوس، تتميم مكارم اخلاقى، دعوت به خيرات عامه وفضايل (عدالت، راستى، قسط، پاكى و...) اقدام خواهد نمود. و اين تنها در سايه تشكيل دولت اخلاقي مبتني بر ساختار امامت امكان پذير است؛ يعني، دولتي كه رشد اخلاقي و عقلي مردم را هدف اصلي خود قرار داده و آنها را به كمال مطلوب و واقعي مي‌رساند.

در نتيجه مردم به آن غايت اصلى وبنيادين خود (عبادت وعبوديت) وتقرّب به خداوند سوق داده مى‏شوند و در پرتو آن، به زدودن رذايل وآراستن فضايل، موفّق خواهند شد. اين دولت، سياست، اجتماع، اقتصاد وفرهنگ را به سمت فضيلت‏هاى اخلاقى و خيرات مى‏كشاند و با پيوند ميان سياست و اخلاق، در تعالى وتكامل اخلاقى و عقلي مردم مى‏كوشد. در اين راستا، علم، دانش، صنعت وتكنولوژى در مسير درست خود قرار مى‏گيرد و رابطه مردم با خدا، با خود، با ديگران و با طبيعت تصحيح مى‏شود و قدرت نيز در خدمت آنان قرار مى‏گيرد. در اين عصر سرچشمه اخلاق، دين و وحى الهى و شريعت آسمانى است كه تكليف و وظيفه مردم را به شكل مطلوبى تبيين مى‏كند و... .

دولت اخلاقي

دولت اخلاقى امام مهدى عجل الله فرجه الشريف، بدين معنا است كه هم خود جامع تمام فضايل، نيكى‏ها ومحاسن اخلاقى وعقلى است وهم در مقام عمل واجرا، همه آنها را در جامعه محقّق مى‏سازد. هم مدافع وحامى ارزش‏ها وهنجارهاى اخلاقى ودينى است وهم ابزار زندگى صنعتى وعلمى بشر را براى تحقّق كمالات انسانى (عبادت وعبوديت وتقرّب به خدا) به كار مى‏گيرد و جامعه را زنده و انسانيت انسان را احيا مى‏كند. معيار مشترك اين دولت در سر تا سر جهان، "رشد اخلاقي و عقلي" مبتنى بر دين و تكامل و تعالى انسان ها و آزادي او است.

دولت اخلاقى امام مهدى عجل الله فرجه الشريف، فقط پيش‏بينى و الگوسازى براى آينده نيست؛ بلكه مدل و الگوى زندگى امروزين نيز مى‏باشد. اين ايده، هم نظر به حال دارد وهم نظر به آينده وما مى‏توانيم از الگوهاى اخلاقى ـ دينى آن دولت، براى رفع كاستى‏ها و نابسامانى‏هاى گوناگون جوامع استفاده كنيم و در تربيت و پرورش نفوس از آن بهره بگيريم.

"دولت اخلاقى"؛ يعنى، "دولتى مبتنى بر نظام امامت كه جامعه را در تمامى ابعاد وجنبه‏ها، به سمت رشد اخلاقى وكمال مطلوب انسانى، هدايت وراهبرى مى‏كند وباورها ورفتارهاى مردم را اصلاح مى‏نمايد و آزادي واقعي آنان را تأمين مي کند". به عبارت ديگر، دولت امام مهدى، وظيفه‏دار تأمين سعادت حقيقى و حداكثر كمال و رشد اخلاقى و عقلي مردم و تربيت و احياى نفوس مرده است. تا انسان به اوج كمال ذاتى نرسد، محال است به سعادت حقيقى نائل آيد وچون تحقّق سعادت حقيقى، تنها در عصر حضرت ولى عصر عجل الله فرجه الشريف امكان‏پذير است، انسان به يقين به اوج "كمال" خواهد رسيد و كمال او عبارت است از: كمال خلقى، عقلى و اجتماعى.

بر اين اساس دولت اخلاقى امام مهدى عجل الله فرجه الشريف احياي نفوس، بصيرت بخشي و تأمين معنويت، عقلانيت وعدالت را بر عهده دارد تا جامعه به سمت "تعالى و تكامل"، "تعادل" و "پيشرفت و رفاه" سوق داده شود.

در دولت اخلاقى امام مهدى عجل الله فرجه الشريف همه امور ورهيافت‏ها، فاضله والهى است؛ يعنى، از يك سياست فاضله شروع وبه يك هدف فاضله (الهى) ختم مى‏شود. اين شاخص، در ساختار نظام امامت جاى مى‏گيرد و به غير از آن امكان تصوير و عملياتى كردن چنين چيزي وجود ندارد. در اين ساخت، "كمال واقعي انسان" (عبادت و عبوديت) در مركز قرار مى‏گيرد و با كمك و راهنمايى وحى، هدف‏مندى نظام هستى و تجربه بشرى، رابطه انسان با خدا، با خود، با ديگران و حتى با طبيعت اصلاح مى‏شود.

بر اساس اين مبنا، دولت اخلاقى، كارآمدى وكارآيى خود را در همه شؤون وابعاد زندگى انسانى، بروز مى‏دهد. در واقع اخلاق متعالى وتصحيح رابطه انسان با همه چيز، باعث تغيير و تكامل رفتار و طرز تلقى و باورهاى او و استفاده درست و بهينه از همه چيز مى‏شود. در دولت اخلاقى، همه چيز بر پايه معنويت و عقلانيت است و برآمد آن، سياست اخلاقى، اقتصاد اخلاقى، فرهنگ اخلاقى و جامعه اخلاقى است. در نتيجه مردم خود خواهان و عامل عدالت، امنيت، پيشرفت مادي و معنوي، صلح، قسط و... خواهند بود؛ چون به رشد اخلاقي و عقلي و آزادي از قيد و بند‌هاي مادي و ظاهري دست مي‌يازند. پس در طراحي دکترين مهدويت

ـ براساس آموزه هاي ديني ـ بايد روشن شود که مشکل و نياز اصلي بشر چيست؟ آيا عدالت است يا امنيت، پيشرفت، صلح و...؟ اگر خواست اصلي او فراتر از اينها باشد ـ که هست ـ بايد چه انگاره اي را بيشتر مورد توجّه قرار داد؟ پاسخ اين نوشتار اين است که کاستي اصلي زندگي بشر نبود معنويت و بصيرت است و اگر اين دو حاصل شود (رشد اخلاقي و عقلي)؛ مشکلات ديگر به راحتي حل مي شود.

بايستگي دولت اخلاقي

در عصر ظهور ودوران حاضر، تنها "دولت اخلاقى" مورد نياز و فايده‏بخش است؛ دولتى كه كار ويژه اصلى آن تأمين كمال مطلوب انسانى و رشد و بالندگى فضايل اخلاقى ـ در تمامى شؤون زندگى ـ و فزوني خردورزي است. جامعه‏اى كه به شدّت دچار انحراف، فساد، حيرت وسرگردانى، پوچى وبى‏هدفى است و بيشتر اعضاى آن، داراى فساد عقيده، عمل و اخلاق هستند؛ نياز به دولتى دارد كه در رأس آن انسان كامل قرار گرفته ودر صدد تكميل مكارم اخلاقى واز بين بردن آلودگى‏ها و فسادها و از بين بردن موانع خردورزي و انديشه است تا بشر به کمال نهايي خود (عبادت و عبوديت) دست يازد.

روايات مختلف در اين موضوع ـ به خصوص حديث "اكمل به اخلاقهم" ـ دلالت بر اهميت و محوريت اخلاق و كمال يابي واقعي و رشد و بالندگى معنوى و عقلاني انسان‏ها در دولت مهدوى دارد:

امام باقر? مى‏فرمايد:

"اذا قام قائمنا، وضع يده على رؤوس العباد فجمع به عقولهم واكمل به اخلاقهم".

"چون قائم ما قيام كند، دستش را بر سر بندگان مى‏گذارد وعقول آنها را متمركز ساخته واخلاقشان را به كمال مى‏رساند".

در روايت ديگرى آمده است:

"اذا قام قائمنا وضع يده على رؤوس العباد فجمع به عقولهم وكملت به احلامهم...".

"وقتى قائم ما قيام كند، دست [عنايتش] را بر سر بندگان مى‏نهد وبدين وسيله عقل آنها زياد شده وفهم‏شان بالامى‏رود (كامل مى‏گردد)."

پيامبر صلي الله عليه و آله مى‏فرمايد:

"... يملأ قلوب العباد عبادة و يسعهم عدله".

"... دل‏هاى بندگان را پر از عبادت مى‏كند وعدلش فراگير مى‏شود".

همچنين:

"... أن يصلح امة بعد فسادها".

"او اين امت را پس از آنكه تباه [و فاسد] شده‏اند، اصلاح مى‏كند".

بر اساس اين روايت اصلاح مردم بعد از فساد اخلاقى آنان وتغيير بنيادين رفتارها، گفتارها وپندارهاى غير اخلاقى وآلوده آنها، مهم‏ترين ودرخشان‏ترين اقدام دولت امام مهدى عجل الله فرجه الشريف خواهد بود و اين احياگرى و اصلاح و نوسازى معنوى، مطلق و فراگير است و پس از آن فساد و انحرافى وجود نخواهد داشت و زمين نورانى و پر از صفا و معنويت خواهد شد:

"و تُشرق الارض بنور ربّها".

"زمين با نور پروردگارش منوّر مى‏شود".

و "ان قائمنا اذا قام اشرقت الارض بنور ربّها واستغنى الناس".

"چون قائم ما قيام كند، زمين به نور پروردگارش روشن مى‏گردد ومردم همگى بى‏نياز شوند".

دولت اخلاقي و دکترين مهدويت

دولت امام مهدى عجل الله فرجه الشريف، دولتى کمال گرا، احياگر و فضيلت‏گرا است و آموزه‏هاى بنيادين اسلام بر آن حاكم است. دولتى غير اقتدارگرا وغير استبدادى است؛ بلكه رضايت و خشنودي مردم و كمال مادى و معنوى آنان را در اولويت قرار مى‏دهد. تربيت دينى وپروش اخلاقى و رشد فکري و علمي مردم در رأس قرار مي گيرد. جهانى و فراگير است و ارزش‏ها و هنجارهاى اخلاقى را جهانى مى‏كند. نمونه كامل دولت نبوى صلي الله عليه و آله و دولت علوى? است. انسان‏ها را از قيد و بندهاى نفسانى و استثمار و استعمار قدرتمندان آزاد مى‏كند. دولت علم و دانش و انديشه و خردورزى است. پايان بخش دولت‏هاى سكولار و ليبراليستى و احياگر دولت دينى است. همه كس وهمه چيز را به كمال نهايى خود مى‏رساند. تحقق آرمان‏هاى بشرى وتشكيل مدينه فاضله اسلامى است.

اين دولت سعادت واقعى بشر وخيرات عمومى را تأمين مى‏كند. رابطه انسان را با خدا تصحيح و انسان را به خودشناسى وخودسازى اخلاقى دعوت مى‏كند. اقتدار و نفوذ فراوان و فراگيرى دارد و ريشه ظلم و ستم و فساد را از بين مى‏برد. مبتنى بر برهان و استدلال عقلى، دلايل وحجّت‏هاى دينى و حكمت و دانش است. كامل‏ترين خلافت الهى بر روى زمين بوده و رهبر و پيشواى آن، منصوب از سوى خدا است. با مردم رابطه‏اى دوستانه و ولايت مدارانه دارد و با آنها بر اساس كرامت ذاتى و اخلاق انسانى برخورد مى‏كند. دولتى فراملّى و فرامرزى است و تمامى امكانات منابع و خدمات را در اختيار همگان قرار مى‏دهد. دولتى ظلم ستيز، كفر ستيز و ضد فساد و خشونت است.

دولتى فرهنگى وارزشى است ودر آن علم وهنر ودانش در راستاى تعالى بشر، به كمال مى‏رسد. حامى محرومان، مستضعفان، تهى دستان و صالحان است و ثروت و قدرت و شهرت در آن جايى ندارد. عدالت محور است و در همه زمينه‏هاى قضايى، سياسى، اجتماعى و اقتصادى عدالت را برقرار مى‏كند. ارشاد، هدايت و امر به معروف را در اولويت قرار مى‏دهد. محصول انديشه بشرى نيست؛ بلكه پاسخگويى به نيازها، مشكلات، كاستى‏ها و ناراستى‏هاى زندگى است. دولتى كارآمد، كامل، اخلاق محور، و كمال‏گرا است و... .

امام مهدي عجل الله فرجه الشريف در اين راستا به عنوان زعيم سياسى ـ دينى، اختيارات و مسؤوليت‏هاى گسترده‏اى براى مديريت و هدايت امور گوناگون مردم برعهده دارد و وظايف مختلفى مانند حفظ دين، اصلاح مردم، احياى سنّت، اقامه حدود، گسترش عدالت، جهاد، عزل و نصب كارگزاران، توزيع بيت المال، تأمين حقوق و... برعهده امام است و او ولايت، اختيارات و شؤون مختلفى دارد. البته همة اينها فرع بركار اصلي آن حضرت (احيا گري) است. کارکردهاي مهم دولت مهدوي عبارت است از:

1. کارکرد سياسي و اجتماعي

وظايف و كاركردهاى سياسى و اجتماعى دولت مهدوى براى تأمين عدالت فراگير، اداره سياسى جهان با تدبّر و عقلانيت، قضاوت و داورى عادلانه، قانون گذارى الهي، تأمين صلح و امنيت و احياى دين و اصلاح امور است. دولت ايشان در تمامى زمينه‏ها، موفّق و كارآمد بوده و همه امور سياسى و اجتماعى را تحت پوشش قرار خواهد داد.

2. کارکرد فرهنگي و ديني

كاركرد فرهنگى و دينى دولت ايشان در راستاى تربيت دينى مردم، تتميم مكارم اخلاقى و زدودن آلودگى‏ها و مفاسد، گسترش و احياى آموزه‏هاى اسلام، تثبيت آيين توحيد و يكتاپرستى، رشد دانش و علم بشرى، شكوفايى افكار و انديشه‏ها، رشد و ترقى صنعت و

فن آورى و پيشرفت شگفت‏انگيز در زمينه‏هاى ارتباطات، اطلاعات و اختراعات است. البته دولت مهدوى عجل الله فرجه الشريف، بيشترين اهميت را به برنامه‏هاى فرهنگى ـ دينى داده و در رشد و تعالى اخلاقى انسان‏ها و تزكيه و تهذيب نفوس اهتمام جدّى خواهد داشت.

3. کارکرد اقتصادي و عمراني

كاركرد اقتصادى و عمرانى دولت مهدوى در جهت استفاده صحيح از موهبت‏هاى طبيعى (گنج‏ها و معادن)، عمران و آبادانى شهرها و كشورها، بى نيازى و استغناى مردم، كمك به بدهكاران و فقيران، توزيع عادلانه امكانات و بيت المال، ايجاد اقتصاد سالم، رونق كشاورزى و دامپرورى و... است. دولت ايشان در زمينه اقتصاد و عمران موفقيت‏هاى كاملى كسب خواهد كرد و در عين حال بر اخلاقى بودن فعاليت‏هاى اقتصادى و استفاده صحيح از طبيعت و گسترش عدالت تأكيد خواهد نمود.

دستاورد اين دولت عبارت است از: "معنويت، عدالت، عقلانيت و توسعه". اينها انگاره‏هايى است كه دولت مهدوى عجل الله فرجه الشريف در تمامى زمينه‏ها و برطبق شاخص‏ها و معيارهاى ذيل به آنها دست مى‏يابد:

1. بهبود ارتباط فرد با خداى خود؛

2. توجّه به شايستگى‏ها، استعدادها و ارزش‏هاى فردى؛

3. استفاده صحيح از موهبت‏هاى الهى؛

4. روابط دوستانه و صلح‏آميز با ديگران.

مهم‏ترين دستاوردهاى دولت مهدوى عجل الله فرجه الشريف در عرصه سياست، استقرار دولت حق و نابودى دولت‏هاى باطل، گسترش عدالت و ايجاد قسط، تثبيت صلح و امنيت جهانى، و رفع اختلاف‏ها و ستيزش‏ها است.

در زمينه فرهنگ و دين نيز رشد و تعالى اخلاقى و معنوى مردم و نورانيت جهان، ترويج فضايل اخلاقى و ريشه كن شدن رذايل، حاكميت آيين اسلام و توحيد و يكتاپرستى، جلب رضايت عمومى، توسعه و پيشرفت علم و دانش و شكوفايى انديشه و خرد و ايجاد آرامش روحى و روانى و... به دست خواهد آمد.

از نظر اقتصادى و عمرانى نيز بشر شاهد وفور نعمت و بركت، حيات مجدّد و متكامل در روى زمين، رونق كشاورزى و كثرت محصولات، رفاه و آسايش بشرى، عمران و آبادى زمين و... خواهد بود.

بشر پس از قرن‏ها و سال‏ها چشم انتظارى و اميد به اصلاح امور و تحقّق بشارت الهى، به سعادت و كمال مطلوب نائل خواهد آمد و در پرتو دولت مهدوى، در تمامى جنبه‏هاى زندگى به رفاه، آسايش، آرامش، صلح و تعالى و تكامل دست خواهد يازيد و همة اين امور، در جهت رسيدن او به کمال نهايي (عبادت و عبوديت خداوند) خواهد بود.

براين اساس مي توان از تعاليم و آموزه هاي ديني، فلسفي، کلامي، سياسي، فلسفة تاريخ و در توضيح و تبيين دولت اخلاقي امام مهدي عجل الله فرجه الشريف بهره مند شد و نظريه اي علمي، نظام مند و فراگير از انديشة مهدويت ارائه داد.

انگاره هاي زير هر کدام متکفّل تبيين و تصوير ابعاد مختلف دکترين مهدويت مي باشند:

1. فلسفة تاريخ، براي شناخت هدف و غايت حرکت تاريخ؛

2. فلسفة سياسي، براي شناخت و معرفي بهترين و بايسته ترين غايت و سامان سياسي؛

3. کلام سياسي، براي تبيين آموزه هاي اعتقادي ـ ديني مهدويت؛

4. علم سياست، براي شناخت ماهيت دولت و تناسب آن با غايت و هدف بنيادين مهدويت و...

نوشتار حاضر با رهيافت سياسي و بهره گيري از آموزه هاي فلسفي و روايي، به تبيين بخشي از دکترين مهدويت پرداخته است. اميد است با پذيرش اين ديدگاه، ابعاد تکميلي آن در نوشتارهاي ديگر، ارائه شود.

------------------

پي نوشت:

1. تفسير قمي، ج2، ص87؛ تأويل الآيات، ص339.

2. كتاب الغيبة، ص 473؛ الارشاد، ج2، ص385.

1. سعيد بن هبةاللَّه راوندى، الخرائج والجرائح، ج 2، ص 841، ح 71؛ محمدباقر مجلسى، بحارالانوار، ج 52، ص 336، ح 71؛ لطف اللَّه صافى گلپايگانى، منتخب الاثر، ص 482.

2. محمّد بن يعقوب كلينى، كافى، ج1، ص25، ح1؛ محمّد بن حسن حرّ عاملى، اثباة الهداة، ج3، ص495.

3. محمد بن حسن شيخ طوسى، كتاب الغيبة، ص 179؛ محمد بن جرير طبرى، دلائل الامامة، ص 259؛ محمدباقر مجلسى، بحارالانوار، ج 51، ص 74، ح 24.

4. على بن عيسى اربلى، كشف الغمّة، ج 2، ص 473؛ سليمان قندوزى حنفى، ينابيع المودّة، ج 2، ص 538.

1. محمد بن على بن بابويه (شيخ صدوق)، كمال الدين، ج 2، ص 345، ح 31؛ على بن عيسى اربلى، كشف الغمة، ج 2، ص473؛ فضل بن حسن طبرسى، اعلام الورى، ص 391.

2. ابى جعفر محمد بن حسن شيخ طوسى، كتاب الغيبة، ص 468؛ محمد بن محمد بن نعمان (شيخ مفيد)، الارشاد، ج 2، ص381؛ محمد بن جرير طبرى، دلائل الامامة، ص 260.